

ریشه‌های ایدئولوژیک تروریسم

محسن رهامی *

دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

آذر علی نژاد

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۹/۳/۹ - تاریخ تصویب: ۹۰/۲/۵)

چکیده:

در این مقاله هدف کشف علتی جدید برای تروریسم و یا تقلیل عوامل گوناگون این پدیده اجتماعی به صرف یک مسئله ایدئولوژیک نیست، بلکه نشان خواهیم داد چگونه یک ساختار نظری می‌تواند به سازماندهی نظامی از رفتارها و تنش‌ها یاری رساند و چگونه این نظام در رسیدن به اهداف شکل‌یافته کاربرد می‌یابد. تروریسم رفتاری هدف‌محور است و تروریست‌ها افرادی با رفتارهای حساب شده در جهت اهدافی خاص هستند. مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که تروریست‌ها جانمایی دیوانه یا دارای شخصیت منحرف و یا متأثر از شرایط اقتصادی نامناسب نیستند. افراد در پی پذیرفتن یک ایدئولوژی موجه و هماهنگ با شرایط خود به یک گروه می‌پیوندند، در پی یک روند هویت‌یابی و پذیرش اهداف و آرمان‌های گروه، وسایل تحقق اهداف از سوی گروه در اختیار آنها گذاشته می‌شود؛ این هدف و وسیله توجیه شده از سوی ایدئولوژی مورد نظر، ارتکاب هر نوع رفتار نامتعارف و خشن را برای فرد آسان می‌کند.

واژگان کلیدی:

تروریسم، ایدئولوژی، خشونت نامتعارف تروریستی، انتخاب ایدئولوژی، انحراف ایدئولوژی، افراط‌گرایی ایدئولوژیک

مقدمه

امروزه تروریسم در همه جا؛ کشورهای فقیر و غنی، شهرهای کوچک و بزرگ، افراد با موقعیت های متفاوت اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد. خطر تروریسم خصوصاً از آغاز ربع آخر قرن بیستم فراگیر شده است. جهان امروز درگیر خطر بزرگ شکل گیری و گسترش گروه هایی با تعصبات دینی شده است، این تروریسم ایدئولوژیک در جهان رو به افزایش است. تأثیرات روزافزون این پدیده خشونت آمیز اجتماعی بر روند زندگی مردم جهان و موضع گیری تصمیم گیران سیاسی نشانگر اهمیت شناخت ریشه ها، خصوصیات و نتایج اقدامات تروریستی است. گرچه وجود مشکلات متعدد که مهم ترین آنها خصوصیتی ایدئولوژیک دارد، ارائه تعریف جامع و مانع از تروریسم - که قدم اول در یک تحقیق علمی است - را بدل به افسانه ای کرده است، اما این مشکل متفکران را از تحلیل و مطالعه این پدیده اجتماعی باز نداشته است. اندیشمندان علوم انسانی با توجه به رویکرد علمی خود اقدام به مطالعه ریشه ها و عوامل اساسی در شکل گیری این نوع خشونت سیاسی کرده اند. این تلاش ها منتج به ایجاد حوزه ای وسیع از نظریه پردازی ها شده که البته هیچ یک به تنهایی نتوانسته اند مبنای نظری جامع در ارتباط با علت شکل گیری این نوع خشونت نامتعارف ارائه دهند.

این تحقیقات در سطوح گوناگون فردی و گروهی به علت یابی رفتار تروریستی پرداخته اند. هر یک از این نظریات دارای محاسن و معایبی هستند که ما را به اتخاذ رویکردی متفاوت و می دارد تا با توجه به شکل جدید تروریسم، تأکید را به جای فرد و فشار گروه و عوامل عینی بر ایده ها و نهادهای پشتیبان آن بگذاریم. تذکر این مطلب لازم است که سعی ما رد و تخطئه این دسته نظریات و تقلیل عوامل متعدد مؤثر در یک رفتار تروریستی به صرف یک عامل ایدئولوژیک نیست، بلکه هدف از ذکر این دسته نظریات، بهره گیری از نتایج مفید این تحقیقات است. در این بین، ذکر معایب هر یک از این نظریات توجه گر لزوم مطالعه ای اهمیت و تأثیر ایدئولوژی در اقدامات تروریستی است.

سؤال مهمی که در پی یافتن پاسخی برای آن هستیم این است که: نقش ایدئولوژی در گرایش افراد به گروه های تروریستی، گرایش این گروه ها به خشونت نامتعارف تروریستی و در نهایت توجه خشونت از سوی اعضای گروه های تروریستی چیست؟ آیا می توان ایدئولوژی را به مثابه عاملی اساسی تلقی کرد که با همراه شدن با برخی عوامل سائق و محرک، فرد را مصمم به ارتکاب رفتار تروریستی کند. بنابراین با توجه به اهداف رفتار تروریستی، انگیزه های نهفته در پشت این نوع رفتارها و شخصیت عاملان این نوع اقدامات در پی آن نیستیم که بدانیم چرا رفتارهای بد از سوی انسان های بد ارتکاب می یابد، بلکه به دنبال فهم این مطلب هستیم که چرا اعمال بد و با شیوه نادرست از سوی افرادی با انگیزه های موجه

و مهم تر اینکه بر اساس آموزه های دینی - اتفاق می افتد. در روند بحث برای بیشتر عینی شدن مطالب ایدئولوژی و سازماندهی، گروه القاعده را به عنوان گروهی که به شکل یک پایگاه عقیدتی برای هواداران خود درآمده و آنها را به عمل وا می دارد، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱- تبیین و تعریف تروریسم

واژه ترور از ریشه لاتین «ters» به معنای ترساندن، ترس و وحشت گرفته شده است. ترور در لغت فرانسه به معنی هراس و هراس افکنی است...» (آشوری، دانشنامه سیاسی، ص ۹۸-۹۹). این واژه در تاریخ تحول خود، گاه در توصیف اعمال دولت ها، گاه در تعریف اقدامات انقلابی و یا به عنوان روشی در مبارزات ضداستعماری و... با دو بار معنایی متفاوت مثبت و منفی به کار گرفته شده است. در هر حال باید توجه داشت که در هیچ مقطعی از تاریخ این واژه، معنایی جامع از آن و یا مصادیق مورد پذیرش بین المللی از آن ارائه نشده است. تعاریف آکادمیک پیچیده و مفصل هستند و کاربرد آنها را در سطح عملی غیرممکن است. تعاریف سیاسی پرابهام و اغلب وسیع هستند و بالاترین میزان آزادی عمل را به نهادهای سیاسی در مورد تفسیر وقایع سیاسی عرضه می دارند (بدی، ۱۳۷۸، ص ۲۵۱). در نهایت نمی توان عدم حصول نتیجه مناسب را به «متخصصان تروریسم» نسبت داد زیرا آنها، با یک «رشته علمی بسیار تنگ نظرانه مواجه هستند...» (طیب، ۱۳۸۲، ص ۶۶). علاوه بر این تلاش ها، در سطح جامعه بین المللی نیز اقدامات فراوان جهت حل معضل تعریف تروریسم صورت گرفته است، قطعنامه ها، بیانیه ها و گزارشات دوره ای صادر شده از سوی سازمان های بین المللی نشان از تأثیر تعارض منافع دولت ها در تعریف تروریسم در سطح جامعه جهانی دارد.

اصلی ترین عامل در ایجاد چنین خلاء مفهومی دارای ماهیتی ایدئولوژیک است، امری که ارائه تعریفی مورد پذیرش تمامی گروه های منتفع را غیرممکن می کند. موضوع تعریف واژه ای مانند تروریسم را نمی توان منفک از مرجع تعریف کننده اش دانست (Schmid, 1985, p.6). از طرفی ما با عاملان اقدامات تروریستی مواجهیم که در سطح ملی و بین المللی خود را به عنوان مبارزان راه آزادی معرفی می کنند. از طرفی دولت ها با تعریفی موسع از تروریسم خواهان اعطای مشروعیت به اعمال سرکوبگرانه خود هستند. قربانیان این اقدامات در واقع قربانی تعارضات ایدئولوژیکی هستند که شاید به هیچ یک از آنها پایبند و معتقد نباشند اما در حقیقت نگاه ایدئولوژیک عاملان تروریسم به قربانیان و آنچه که فرض می شود آماج حملات به آن پایبندند، دارای اهمیت است.

الکس اشمید تعریفی طولانی و دقیق که حاصل ترکیب ۱۰۹ تعریف است را ذکر می کند که به عنوان نمونه ای از یک تعریف کلاسیک به ذکر آن اکتفا می نماییم و در ادامه عناصر

اساسی مورد نیاز جهت تروریستی نامیده شدن یک اقدام خشونت‌آمیز را استخراج و ذکر می‌کنیم.

«تروریسم شیوه اقدامات خشونت‌آمیز تکراری به منظور ایجاد دلهره و رعب و وحشت است که به دلایل سلیقه ورزی، جنایی یا سیاسی بوسیله افراد، گروه‌ها یا عوامل دولتی مخفی (یا نیمه مخفی)، در جایی که اهداف مستقیم اهداف اصلی نیستند، بر خلاف ترور که هدف مستقیم هدف اصلی است، به کار گرفته می‌شود. قربانیان مستقیم به صورت اتفاقی و یا گزینشی (به نمایندگی یا هدف سمبلیک) از یک جمعیت هدف و برای انتقال پیام به کار گرفته می‌شوند؛ تروریست‌ها از این روند ارتباطی خشونت یا تهدید محور برای اداره‌ی اهداف اصلی بهره می‌گیرند و بر این اساس که ابتدائاً چه هدفی را دنبال می‌کرده‌اند سبب وحشت، توجه یا اطاعت اهداف اصلی می‌شوند» (schmid, 1988).

در یک جمع‌بندی میان تعریف ذکر شده با سایر تعاریف موجود و با توجه به اشکال جدیدتر تروریسم معیارهای تعیین‌کننده در تروریستی نامیده شدن یک اقدام را می‌توان به شرح ذیل تقسیم‌بندی کرد. این عناصر به صورت یک مجموعه عمل می‌کنند و هر یک دارای ویژگی‌هایی منحصراً به فرد هستند که باید دقیقاً مورد توجه قرار گیرند در غیر این صورت شامل مفاهیمی متعدد خواهند شد که با ماهیت تروریسم کاملاً متفاوت است:

۱- مهم‌ترین ویژگی اقدام تروریستی ماهیت «خشونت‌آمیز» آن است. ایجاد خشونت به خودی خود هدف تروریست‌ها نیست آنها با استفاده از خشونت به عنوان ابزار، قصد تأثیرگذاری بر اهداف اصلی و استفاده از وحشت ایجاد پس از حادثه تروریستی را دارند و عموماً این خشونت در شدیدترین شکل خود بروز می‌یابد تا نهایت تأثیر خود را برجا گذارد؛

۲- قصد ایجاد ترس و وحشت شدید و جلب توجه گسترده به منظور بهره‌گیری از اثرات آن بر مخاطبان و اهداف اصلی؛

۳- هدف سیاسی، با انگیزه‌های ناشی از ایدئولوژی‌های قومی، مذهبی، نژادپرستانه و یا سیاسی؛

۴- قربانیانی که شخصاً اهداف اصلی تروریست‌ها نیستند اما به عنوان وسیله انتقال مفاهیم از میان جمعیتی خاص و متناسب با ایدئولوژی تروریست‌ها، اهداف اصلی و خود قربانیان انتخاب می‌شوند. این قربانیان غافلگیر می‌شوند یعنی گاه اساساً امکان مقابله با عملیات تروریستی را ندارند و گاه به علت ناگهانی و غیرمتمقارن بودن حمله چنین امکانی از آنها گرفته می‌شود (Steinhofe, 2007, pp 61-109). این «آماج» حملات، «غیرنظامیان» هستند. برخی بر این اعتقادند که الزاماً نباید صدمه رساندن به غیرنظامیان مورد نظر ترویست‌ها باشند بلکه احتمال آسیب رسیدن به آنها و نادیده انگاشتن این احتمال نیز کافی است (Steinhofe, 2007, p 122).

۵- سازمان یافته بودن و اقدامات همراه با پشتیبانی گروهی معیار مهم و مناقشه برانگیز دیگر است. برخی معتقدند که امروزه تروریسم بدون سازمان دهی منسجم و یا اهداف شکل داده شده کار می کند (Mythen, Walklate, 2006, p 379-398) اما باید توجه داشت گرچه امروزه برخی گروه های تروریستی در تمام نقاط دنیا امکان عمل دارند اما این گروه ها نیز طرفداران خود را در تمام دنیا آموزش می دهند و در پی اهداف معین و با استراتژی مشخص، از آنها در جهت ایدئولوژی مورد پذیرش گروه استفاده می کنند و اقدامات خودسرانه و بدون برنامه ریزی که امکان ایراد صدمه به بدنه گروه را داشته باشد در آنها دیده نمی شود.

۱- رویکردهای علمی موجود در تحلیل پدیده تروریسم

نسل اول تحقیقات در ارتباط با درک رفتارهای تروریستی، خود را در قالب تئوری های عام خشونت نشان داد. این تحقیقات با بهره گیری از تئوری های غریزه خشونت، ناکامی-پرخاشگری، یادگیری اجتماعی و شناختی به بررسی رفتارهای خشونت آمیز تروریستی و عوامل گرایش تروریست ها به خشونت پرداخته اند. بعدها برخی محققان با توجه به اهمیت دقت به تفاوت بنیادین میان این نوع خشونت با سایر انواع آن و ویژگی های خاص مرتکبان تروریسم در دو سطح تحلیل فردی و گروهی فرضیات اختصاصی در ارتباط با تروریسم ارائه کرده اند. با توجه به اهمیت این تفاوت سطح در تحلیل ما علاوه بر نقل فرضیات گمراه کننده و رد شده در ارتباط با تروریسم به طرح نظریاتی که توانسته اند موضعی منطقی و نزدیک به واقعیت را در خصوص این پدیده اجتماعی اتخاذ نمایند نیز می پردازیم.

۱-۲- فرضیات وجود آسیب روانی و در میان تروریست ها

در پی پافشاری سیاستمداران مبنی بر احتمال وجود شخصیتی قابل پیش بینی در میان تروریست ها کارشناسان به دنبال یافتن نابهنجایی هایی مشخص در میان تروریست ها بودند اما منتقدان این روند را بسیار پیش داورانه و گمراه کننده دانستند (کرنشوا، ۱۳۸۴، ص ۶-۱). برخی، تروریست ها را دارای نوعی «شخصیت ضداجتماعی» و یا «جنون جنایی روانی» می دانند (Richards, Wilson, Wilcox, 2007, p 5) چنین آسیبی روانی باعث نقص در احساساتی همچون احساس گناه، همدردی و پشیمانی در فرد می شود (O'Connor, 2009). به نظر افراد ستیزه جو و کنش گرا و آنانی که بیش از حد معمول به سازوکارهای روانی «برونی کردن» و «دو نیمه سازی» متکی هستند به وفور در میان تروریست ها یافت می شوند. ترکیب احساسات شخصیتی نابستگی با سازوکارهای روانی «برونی کردن و دو نیمه سازی» بویژه سبب می شود آنها

جذب گروهی از افراد هم‌فکر شوند که معتقدند «ما مسئول شکست خود نیستیم، آنها سبب مشکل ما هستند» (Post, 1984, Pp 241 – 256).

با این حال، نظریه‌پردازان معتقدند که تروریست‌ها آسیب روانشناختی در خور توجهی از خود بروز نمی‌دهند و دلایل تجربی محکم در تأیید فراوانی خودشیفتگی در میان تروریست‌ها وجود ندارد (Borum, 2004, p 20). دو تحقیق عمده در این زمینه تحقیق رای کارادول و اندرو سیلک به این نتیجه رسیدند: «تروریست‌ها طبیعی هستند و اقدامات تروریستی معمولاً بوسیله افراد منطقی و سالمی صورت می‌گیرد که انگیزه‌هایی ارزشمند دارند» (Borum, 2004, pp 30-32). تروریست‌های گروهی نیازمند اعضای نرمال هستند. اگر تنها افراد دارای آسیب روانی می‌توانستند تروریست شوند تروریسم مشکل کم اهمیتی بود (McCauley, 2010). «برای مبارزه با تروریست‌ها باید با فکر آنها آشنا شویم، فکری که دیوانه نیست» (McKeeby, 2007).

۲-۲- فرضیه وجود مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشترک در میان تروریست‌ها

برخی معتقدند ویژگی‌های اجتماعی قابل تعمیم و معین در میان تروریست‌ها وجود دارد. به عنوان مثال گروه‌های تروریست خاورمیانه و آمریکای لاتین اعضای خود را از طبقات پایین اجتماع تأمین می‌کنند و یا اعضای گروه‌های تروریستی اروپای غربی متعلق به طبقه متوسط و تحصیلکرده هستند. با توجه به تنوع و تفاوت‌های اساسی گروه‌های تروریستی در سراسر دنیا، این مطالعات در میان فرهنگ‌های متفاوت به نتایج یکسان نرسیده است. راه‌های ورود به تروریسم بر حسب نوع جوامع با یکدیگر متفاوت هستند. اگر بتوان یک شاخص را در میان دسته‌ای از تروریست‌های مذهبی یا ملی خاورمیانه یافت، این شاخص نسبت به تروریست‌های آلمان غربی یا آمریکای لاتین متفاوت خواهد بود. به نظر می‌رسد تلاش برای یافتن چنین مجموعه‌ای از اشتراکات بیش از آنکه در پیش‌بینی تروریست‌های احتمالی و یا نوع رفتار آنها کمک کننده باشد؛ از جهت یافتن نقاط ضعف و قوت و شیوه برخورد با تروریست‌ها در موقعیت‌های تعیین کننده و صدمه زدن به آنها برای تصمیم‌گیران دارای اهمیت باشد (Richards, Wilson, Wilcox, 2007, P 8).

۲-۳- فرضیه مبتنی بر اهمیت و نقش گروه در رفتار تروریستی

محققان در پی مطالعات فردی و شخصیتی بر تروریست‌ها به این نتیجه دست یافتند که تروریسم عمدتاً فعالیتی گروهی است و نه اقدامی فردی. تروریسم یک فرایند عضویت، تعهدپذیری و عمل در گروه است؛ و نه ناشی از یک شخصیت فردی. افراد به دلایل متعدد و نامعلوم به گروه تروریستی می‌پیوندند. برخی معتقدند اعضای این گروه‌ها افراد بی‌کار و رانده

شده از جامعه هستند؛ دسته‌ای از آنها در پی استفاده از مهارت‌هایشان مثلاً در بمب‌گذاری هستند و البته هستند جوانان تحصیلکرده‌ای که در پی اهداف سیاسی و یا مذهبی وارد گروه می‌شوند. روند گرایش و عضویت آنها در گروه بسیار کند و با دقت صورت می‌گیرد در این روند کند اهداف گروه در این افراد درونی می‌شود (Tosini, 2007, Pp 664-681). در هر حال جهت عضویت در گروه صرف انگیزه قوی کافی نیست، بلکه گروه باید فرد را از نظر حرفه‌ای بپذیرد. برخی نیز گرایش به گروه تروریستی را تلاشی در جهت کسب هویت از سوی فرد می‌دانند (Arena/ Arrigo, 2005, Pp 485- 506). مارتا کرنشاو ۴ دسته انگیزه برای پیوستن افراد به گروه را پیشنهاد می‌کند: فرصت برای عمل، احساس متعلق بودن به یک جمع، نیاز به داشتن جایگاه اجتماعی، تحصیل پاداش مادی (Crenshaw, 1992, p 1-11). فرد پس از عضویت در گروه نسبت به سایر اعضا احساس تعلق می‌کند. تحت تأثیر این شرایط او باید از دستورات رهبر گروه اطاعت کند و وفاداری خود را ثابت کند و از طرفی پایدار ماندن گروه برای او اهمیت دارد. بنابراین حتی در مواردی که فرد ابتدا با انجام خشونت و شیوه اعمال آن موافق نباشد، فشار موجود در گروه برای فرمانبرداری او را وادار به عمل می‌کند. جرالد پست معتقد است این که چگونه برخی افراد در قالب ضابطه‌ای اخلاقی، اجتماعی را تشکیل می‌دهند و در عین حال مرتکب چنین اعمال خشونت‌بار اجتماعی می‌شوند، تا جایی که ضوابط اخلاقی گروه جایگزین ضوابط فردی آنها می‌شود تنها در روانشناسی گروه‌ها قابل پاسخ‌گویی است (McKeeby, 2007, p 1-16). اینکه چه میزان خشونت به کار گرفته شود به درجه حمایت؛ مردم از گروه، اعضای گروه از رهبر، درجه اطمینان اعضا به درستی شیوه خشونت‌آمیز و توانایی رهبر در ارائه توجیهات مؤثر در ارتباط با تصمیم اتخاذ شده، بستگی دارد (گر، ۱۳۷۹، ۴۱۹).

گرچه نتایج حاصل از این نظریات در تحلیل شیوه عمل گروه‌های تروریستی بسیار کمک کننده است اما امروزه از بین رفتن شکل گروه‌های مخفی باعث ناکارآمدی این دسته از نظریات در حوزه تروریسم شده است. اعضا گروه‌های امروزی با اعتقاد به ایدئولوژی به عضویت گروه در می‌آیند و براساس اهداف و روش‌های مشروع دست به خشونت می‌زنند.

۴-۲- فرضیه‌ی انتخاب عملیات تروریستی به عنوان یک گزینه مناسب (انتخاب عقلانی)

از این فرضیه گاه با نام فرضیه اقتصادی یاد کرده‌اند؛ اما به دلایلی «فرضیه انتخاب عقلانی» نامی بهتر برای اشاره به این دسته فرضیات است. بر اساس این فرضیه در صورتی که در یک محاسبه منطقی مزایای دست‌زدن به عمل از زیانهای احتمالی بیشتر باشد، فرد عمل مجرمانه را به عنوان یک گزینه مناسب انتخاب می‌کند.

افراد در حالت جمعی نیز کاملاً حساب شده عمل می‌کنند؛ گرچه در منطبق فردی این عمل کاملاً غیرعقلانی محسوب شود. از نظر مارتا کرنشاو تروریسم ممکن است به عنوان گزینه‌ای مطلوب، از سوی تمامی اعضا گروه تروریستی به دلایل سیاسی و استراتژیک مطلوب به نظر رسیده و انتخاب شود (Tosini, 2007, Pp 664-681).

اما در این مرحله این سؤال مطرح است که چرا برخی گروه‌ها از ابتدا برای نیل به اهداف خود به خشونت متوسل می‌شوند ولی برخی در فرایند تصمیم‌گیری به عنوان آخرین حربه به آن متوسل می‌شوند و برخی حتی در شرایط یکسان به دنبال راه‌های مسالمت‌آمیز هستند؟ کرنشاو عوامل متعدد از جمله شرایط مکانی، اندازه، شرایط زمانی و محیط بین‌المللی را در این روند مؤثر می‌داند (O'Connor, 2005). اما اهمیت تأثیر این موارد در مرحله بعد از اهمیت اهداف، معیارها، ایدئولوژی و میزان پایبندی اعضا به ایدئولوژی است. آنچه در این دست تحقیقات به ما کمک می‌کند آن است که گرچه روند حرکت عملی به سمت تروریسم در سطح «عقلانیت کنشی» قابل بررسی است اما «ریشه‌های» عمل تروریستی در «عقلانیت نظری و ساختاری» (منابع توجیه‌کننده نظری مثل آموزه‌های اسطوره‌ای و مذهبی) نهفته است.^۱

۵-۲- تأثیر محرومیت اقتصادی برگرایش فرد به تروریسم و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی

برخی متخصصان در حوزه علت‌شناسی تروریسم - در سطح فردی - فقر و محرومیت اقتصادی را عامل اصلی گرایش افراد به تروریسم و شکل‌گیری مخالفت‌های سیاسی می‌دانند. این نظریات در سطح سیاسی مقبولیت بسیار یافته (Munson, 2003, p.p 40-53). در ارتباط با چگونگی تأثیر عامل فقر بر تروریسم نظریات متعدد مطرح شده است که برجسته‌ترین آنها نظریه منحنی جی دیویس (افتخاری، ۱۳۷۹) و نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر است. جیمز دیویس بر آن است که ثبات و بی‌ثباتی اجتماعی (بخصوص سیاسی) در نهایت به وضعیتی ذهنی و حالتی روحی در جامعه وابسته است؛ همیشه میان انتظارات اشخاص از رفاه فردی و واقعیات موجود شکافی وجود دارد. اگر این شکاف از حدی فراتر رود نتیجه این سرخوردگی پرخاشجویی جمعی است. این شرایط از نظر او نه در فقر مطلق و نه در رفاه مطلق است بلکه در نتیجه افول ناگهانی رشد اقتصادی است (بشیریه، ۱۳۷۲، ص ۴۶). اما این برقراری ارتباط میان حالت روانی و روند خاص اقتصادی قابل انتقاد است (مشیرزاده، ۱۳۸۱، ص ۱۲۲). «تحلیل‌های

۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رک:

Robert A. Pape, Strategies logical of suicide terrorism, American Political Review, Vol. 97, No. 3 2003.

صورت گرفته بر داده‌های جمع‌آوری شده از سوی وزارت امور خارجه آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر به این نتیجه رسیده است که مدارک قابل اطمینان برای وجود رابطه میان فقر و تروریسم وجود ندارد. تحقیقات نشان داده است در کشورهای با سطحی یکسان از آزادی، کشورهای فقیر به نسبت کشورهای غنی بیشتر در معرض بروز تروریسم و یا درگیر با آن نیستند. اما اغلب کشورهای ثروتمند هستند که آماج این نوع حملات قرار می‌گیرند» (Abadie, 2004, Pp 1-16). بررسی‌های صورت گرفته در ارتباط با تأثیر فقر بر گسترش بنیادگرایی در خاورمیانه و حملات تروریستی نشان از آن دارد که همواره عاملی بسیار بااهمیت تر در این نوع گرایش‌ها نقش داشته است و دیدی صرفاً بر پایه اقتصاد بسیار ساده‌انگارانه خواهد بود. تحقیقات در ارتباط با اقدامات انتحاری نیز به نتایج مشابه رسیده است که صحت فرضیه مزبور را مورد تردید قرار می‌دهد (Wilson, Wilcox, Richard., 2007, p 10).

۲-۶- فرضیه وجود رابطه کلیدی میان دموکراسی و تروریسم

دولت آمریکا در موارد متعدد با طرح ایده‌ی گسترش دموکراسی به عنوان اصلی‌ترین راه مقابله با تروریسم، در سطح جهانی دست به اقدام زده است. اما الزاماً دموکراسی و تروریسم دو قطب مخالف نیستند که با ظهور یکی شاهد بروز دیگری نباشیم (Democracy for peace, 2005, P 25). بررسی داده‌ها و مقایسه سطح و تعداد این حوادث در حکومت‌های متفاوت نشان می‌دهد که کشورهای با حد میانه دموکراسی در مقایسه با حکومت‌های دارای سطح بالای دموکراسی و یا دارای حکومت دیکتاتوری، برای بروز و گسترش تروریسم مستعدترند. مشاهدات در عراق، اسپانیا و روسیه نشان می‌دهد که مرحله گذار از دیکتاتوری به دموکراسی همراه با یک دوره گسترش تروریسم در اشکال مختلف آن است (Abadie, 2004, Pp 1-16). در کشورهای با سطح بالای دموکراسی گروه‌های مخالف گزینه‌هایی دیگر به جز توسل به خشونت در اختیار دارند. حکومت‌های دیکتاتور نیز با توجه به امکان سرکوب شدید که در اختیار دارند اجازه بروز این نوع مخالفت‌ها را در جامعه به مخالفان نمی‌دهند. در حالی که کشورهای مدعی نوعی مشی دموکراتیک هستند در مواجهه با این نوع اقدامات باید دقت بیشتر کنند (Abadie, 2004, Pp 1-16).

۲-۷- نسل جدید نظریه‌پردازی‌ها در مواجهه با شکل جدید تروریسم

امروزه با نسلی جدید از تروریسم درگیر هستیم و باید هر نوع تلاش در ارتباط با فهم، پیشگیری و مبارزه با تروریسم را با شکل جدید آن هماهنگ کنیم. تروریسمی که همراه با انواع جهانی شدن‌ها جهانی شده و دیگر خواهان تغییرات جزئی، تحولات سیاسی محدود و یا

گرایش‌های جدایی‌طلبانه و یا ملی نیست بلکه اغلب از افکار مذهبی و منجی‌مآبانه الهام می‌گیرد و در پی ایجاد معجزه‌ای در جهان است. گروه‌های تروریستی امروزه با استفاده از وسایل ارتباط جمعی و فناوری پیشرفته قادرند طرفداران خود را در تمامی نقاط دنیا پرورش دهند و به همین دلیل است که امروزه فشار گروهی حاکم بر تروریست‌ها نیست که آنها را به عمل وامی‌دارد بلکه آرمان و الهامات باعث می‌شود به گروه بپیوندند و برای اهداف گروه مبارزه کنند (Crenshaw, 1981, pp. 379-399).

امروزه شبکه^۱ القاعده - مخصوصاً پس از حادثه ۱۱ سپتامبر - به عنوان یک گروه تروریستی که به نام اسلام و بر اساس اهداف و مواضع مذهبی عمل می‌کند توجه اندیشمندان تروریسم را به خود جلب کرده است. قبلاً نیز گروه‌های تروریستی متعدد در آمریکا، اروپا و آسیا بر اساس مذهب و انگیزه‌های احیای دین شکل گرفته و تحقیقات این حوزه را به سمت نوعی جدید از تروریسم که دارای اهداف و روش‌های متفاوت بود، کشانده‌اند. آنها خواستار ایجاد نوعی تحول دینی در جهان بوده‌اند. اما این گروه‌ها در مورد استفاده از خشونت و شکل آن شبیه به یکدیگر عمل نمی‌کنند و صدور قاعده‌ای عام در مورد آنها ساده نیست.

شبکه القاعده به عنوان شکل جدید گروه‌های تروریستی بر پایه مذهب، ما را با نوعی جدید از سازمان‌دهی روبرو می‌کند. مهم‌ترین ویژگی این گروه تروریستی از بین رفتن شکل گروه‌های مخفی و متمرکز و بوجود آمدن نوعی شبکه غیرمتمرکز و پراکنده است. این گروه بر پایه یک ایدئولوژی مذهبی که از سوی ایدئولوگ‌های این شبکه دائماً در حال به‌روز شدن است توانسته با بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی اعضای خود را در تمام نقاط دنیا آموزش دهد. این افراد با اعتقاد به یک ایدئولوژی عضو گروه می‌شوند و بر اساس اهداف و روش‌های مشروع دست به خشونت می‌زنند، توجیه می‌شوند و در این راه از فدا کردن جان خود ابایی ندارند.

۳- اهمیت ایدئولوژی در تکوین رفتار تروریستی

تروریسم به عنوان نوعی خشونت سیاسی دارای ماهیتی متفاوت با سایر جرائم است. حضور همیشگی یک پشتوانه فکری افراطی در توجیهات و اقدامات تروریستی می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت توجه و دقت به عنصر ایدئولوژی و کارکرد آن در شکل‌گیری و چگونگی حرکت گروه تروریستی باشد. درگیری جهان امروز با تروریسم بر پایه مذهب ما را بر تأکید بر عنصر انگیزه و اهمیت ایدئولوژی مصرتر می‌کند. از این دیدگاه، ایدئولوژی اصلی‌ترین

۱. به کارگیری واژه «شبکه» به جای «گروه» از نظر ما حائز اهمیت است و باعث می‌شود به ماهیت متفاوت و جدید این نوع گروه تروریستی به خوبی اشاره نماییم.

عنصری است که فرد و گروه تروریستی را به ارتکاب اعمال خشونت آمیز سوق می‌دهد؛ ایدئولوژی سازوکارهای روانی مورد نیاز برای فرد را در یک سلسله اعمال خشونت آمیز گروهی فراهم می‌کند؛ از پیروانش می‌خواهد که برای آن مبارزه کنند -البته این مبارزه همیشه همراه با خشونت طلبی نیست- انتخاب اهداف مبارزه، شیوه مبارزه، روش ها و ابزارها همه از طرف ایدئولوژی صورت می‌گیرد (Borum, 2004, p 46). اگر ایدئولوژی گروه های تروریستی حاوی راه های خشونت آمیز جهت رسیدن به اهداف باشد و هرچه رهبر گروه تروریستی بهتر بتواند دست زدن به خشونت را بر اساس ایدئولوژی اعضا توجیه کند، ارتکاب خشونت از سوی افراد مشروع تر جلوه خواهد کرد. بنابراین، آشنایی دقیق با ماهیت ایدئولوژی مطروحه از سوی گروه تروریستی -که عموماً در بیان انگیزه‌ی این گروه ها از انجام اقدام تروریستی خود را نشان داده و قابل محک زدن است- در مبارزه با تروریسم امری راه‌گشا و مهم است.

قبل از هر چیز لازم است دریابیم ایدئولوژی چیست و چه نقش و کارکردهایی در شکل دادن به رفتار افراد دارد. چرا افراد خود را محتاج یک ایدئولوژی می‌دانند و چرا به ایدئولوژی خاص می‌پیوندند؟ آیا ویژگی های شخصیتی خاص در پذیرش ایدئولوژی خاص مؤثر است؟ آیا افراد با شناخت کامل از یک ایدئولوژی و با آزادی تمام دست به انتخاب؟

۱-۳- ایدئولوژی چیست؟

«وقتی به متونی که در باب ایدئولوژی و توضیح این پدیده نوشته شده است مراجعه کنیم نمی‌توانیم اغتشاشی عظیم را که بر آن مستولی شده نادیده بگیریم» (بودن، ۱۳۷۸، ص ۳۱). به تعبیری خود مفهوم ایدئولوژی قربانی اختلافات ایدئولوژیک بوده است. فرهنگ علوم اجتماعی در تعریف ایدئولوژی آورده است: «مجموعه کم و بیش متجانس اندیشه‌ها، باورها و آرمان‌هایی که فرد یا گروه‌ها را مخصوصاً به جهت داشتن بعد عاطفی و هیجانی به حرکت در می‌آورد» (باقر ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۳۸۲). در باب تعریف ایدئولوژی به طور کلی دو دیدگاه مارکسیستی و غیرمارکسیستی وجود دارد. آنچه ما در این نوشتار از ایدئولوژی مد نظر داریم مجموعه‌ای مشترک از شناخت‌ها در میان مردم است، نظامی نسبتاً منسجم از باورها و نگرشها که کم و بیش نهادینه شده است. «برای اینکه اعتقادی ماهیت ایدئولوژیک پیدا کند باید میان گروهی از مردم مشترک باشد، باید با امور مهم از نظر گروه مرتبط باشد، باید به نحوی از انحاء نقش یا کارکردی برای اعضا داشته باشد و مثلاً در حفظ گروه کمک کند یا فعالیت‌ها و برخوردهای مخصوص گروه را توجیه کند» (پلامناتس، ۱۳۷۱، ص ۲۳). اعتقادات دو نوع کارکرد دارند؛ «از طرفی به کار توصیف و تبیین می‌خورند و از طرف دیگر به کار توجیه و ترویج یا تقبیح و نهی بعضی رفتارها و ابزار امید و فرونشاندن بیم» (پلامناتس، ۱۳۷۱، ص ۲۳).

مسئله دیگر که در باب تروریسم و شکل مذهبی‌اش با آن مواجهیم این است که آیا دین می‌تواند نقش ایدئولوژی را در زندگی افراد بازی کند؟ با توجه به معنی مثبت یا منفی ایدئولوژی، موضعی متفاوت درباره رابطه دین و ایدئولوژی گرفته می‌شود. در هر حال، محسوب داشتن ادیان به عنوان ایدئولوژی آثاری مفید خواهد داشت و باعث خواهد شد «مطالعه نقش دین در سطح وسیع جامعه آسان شود، آن را تحت قاعده در آورده و قابل مقایسه با سایر ایدئولوژی‌های دنیوی کند. به علاوه به ما کمک می‌کند دریابیم در جامعه چه چیز دین خوانده می‌شود و نقش هدایتی آن به چه صورت است» (Braun / McCutcheon, 2000, p 438).

۲-۳- انتخاب ایدئولوژی تروریستی

آیا افراد در پیوستن به ایدئولوژی خاص عقلانی تصمیم می‌گیرند؟ پذیرش نظریه‌های مشکوک و نادرست از چه ناشی می‌شود؟ اندیشمندان علوم اجتماعی معتقدند که پذیرفتن نظریه‌های نادرست از سوی افراد و فاعلان اجتماعی را نمی‌توان به حساب تبعیت از امیال و یا عقب ماندگی فکری گذاشت. افراد در گرایش به عقیده از نوعی عقلانیت پیروی می‌کنند. عقلانیت در عرف عام به معنای مفید بودن است. اما دلایل نهفته در پشت عمل گرچه گاه فایده‌گرایانه است؛ اغلب غایت‌شناسانه و یا به دلایل دیگر است. بنابراین، این دسته از عوامل که عقلانیت غایت‌گرا، وضعی و عقلانیت مربوط به امکانات نام گرفته‌اند را نیز باید در تحلیل انتخاب ایدئولوژی از سوی فاعلان اجتماعی در نظر گرفت (Saarnivaara, 2008, pp 423-433).

جامعه‌شناسان معتقدند علاوه بر مواردی که انتخاب ایدئولوژی ناشی از انگیزه و شناخت عمیق است و اغلب تنها در میان پیشتازان و گروه مقدم (توحید فام، ۱۳۸۱، ص ۲۰) دیده می‌شود، برخی صرفاً با توجه به جنبه‌ای خاص از ایدئولوژی به آن پیوسته و گاه این روند پیوستن به ایدئولوژی صرفاً در اثر اطمینان به افراد خاص و از روی تقلید است (بشتر، ۱۳۷۰، ص ۲۷۹). تأثیر وضع اجتماعی و شرایط محیطی را در انتخاب ایدئولوژی نمی‌توان نادیده گرفت. تعبیر افراد از یک پدیده و به تبع آن پذیرش راه‌حلی در مقابل آن، به تجربیات و دانش قبلی آنها در برابر آن پدیده نیز بسیار مرتبط است. از طرفی فرد با توجه به دیدگاه و نوع بینشی که دارد به تفسیر امور دست می‌زند. از سوی دیگر اوضاع و احوال و آمادگی فرد در نوع بینش او مؤثر است و موجب می‌شود فرد به سمت نظام فکری خاص حرکت کند. پس پیوستن به عقاید نادرست و گاه افراطی ترکیبی قابل درک میان اثرات این ارتباط، وضع و آمادگی است. بررسی نقش رهبر و ایدئولوگ در مطالعه شکل امروزی تروریسم امری بااهمیت است. پس از پیوستن فرد به گروه و پذیرفتن اصول اساسی ایدئولوژی بقیه امور به دست رهبران داده می‌شود.

۳-۳- ویژگی ها و کارکردهای ایدئولوژی

ایدئولوژی واقعیت پیچیده را ساده می‌کند؛ نوعی توجیه عقلی جهان و نظام ارزشی است، انسان را به عمل ترغیب می‌کند و با ارائه هدف‌ها و وسایل به افراد امکان می‌دهد که به عمل سیاسی دست بزنند (Shills, 1972, pp 1-70). در واقع ایدئولوژی نظامی از باورهاست که هم می‌خواهد جهان را توضیح دهد و هم دگرگون سازد. به تعبیری ایدئولوژی با «باورآفرینی» و «مهر آفرینی» در «عمل آفرینی» نقش بازی می‌کند (آنسا، ۱۳۸۱، ص ۳۰۲).

در سطح فردی ایدئولوژی به عنوان بازتابی از شخصیت عمل کرده و تصویری جامع و کلی از خود فرد و جهان اطراف و جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند برای او ایجاد و تصویری از آنچه که جهان باید باشد برای فرد درونی می‌کند (Therbon, 1980, pp 80-81)؛ گروه تروریستی هویتی تازه به فرد می‌دهد. با توجه به نقش ایدئولوژی، گرایش افراد به این گروه‌ها ناشی از یک روند هویت‌یابی است. فرد وضعیت خود را هماهنگ با ایدئولوژی افراطی‌ای فرض می‌کند که از سوی گروه مطرح می‌شود.

در سطح گروهی ایدئولوژی‌ها دوستان و دشمنان خود را به اعضا می‌شناسانند و به افراد گروه هویتی جمعی اعطاء می‌کند. این کار با ساده‌سازی مفاهیم و در نهایت انسجام و قاطعیت انجام می‌گیرد (پلامناتس، ۱۳۷۱، ص ۱۶۱-۱۶۴). ایدئولوژی برای اعضا گروه توجیه فراهم می‌کند. گروه هر چه محدودتر و افراطی‌تر باشد کمتر و هر چه میانه‌روتر و وسیع‌تر باشد بیشتر، نیاز به توجیه پیدا می‌کند. البته در گروه‌های تروریستی اغلب با افراط‌گرایانی مواجهیم که کمتر به توجیه احتیاج دارند. ایدئولوژی عمل‌گرایی را می‌ستاید. «ایدئولوژی موفق باید هم در سطح عملی و هم از لحاظ نظری نتیجه‌بخش باشد و راهی برای وصل کردن این دو سطح کشف کند» (تری ایگلتن، ۱۳۸۱، ص ۸۷). فرد گرچه در بسیاری از موارد از چشم‌اندازی واقعی از عمل خود در پیش ندارد اما در دست به عمل زدن شک نمی‌کند (ژان بشلر، ۱۳۷۰، ص ۹۴). این کارکرد ایدئولوژی در اقدامات انتحاری به خوبی تجلی پیدا می‌کند افراد در فدا کردن جان خود از هم پیشی می‌گیرند و به جز افراد معتقد، کسی پیشقدم نمی‌شود. ایدئولوژی افراطی و مطلق‌گرا نمونه‌ای کامل از ایدئولوژی‌ای است که قادر است پیروانی را تربیت کند که برای دستیابی به اهداف خود به هر نوع خشونت دست بزنند. رهبران و ایدئولوگ‌های القاعده توانسته‌اند با بهره‌گیری از مفاهیم متعدد اسلامی و گزینش افکار متفکران اسلامی چنین نظامی را برای پیروان خود ترسیم کنند. در این نظام فکری، همه چیز در دو دسته قرار می‌گیرد «خوب» یا «بد». در نگرش نوین‌ادگرایان این تقسیم ذهنی عینیت می‌یابد و جهان را به دو دسته تقسیم می‌کند: «اردوگاه خداپرستان و اردوگاه ملحدان» (Shepard, 1987, p 362). این تفکر از سید

قطب وام گرفته شده است. به نظر او «این دو جهان کاملاً با هم ناسازگارند و هیچ هم‌زیستی و توافقی بین آنها وجود ندارد» (سید قطب، بی تا، ص ۳۱ و ص ۷۰).

بن‌لادن معتقد است که جهان به دو جبهه تقسیم شده است؛ جهانی که در آن حقیقت وجود دارد... و جهانی که در آن بدعهدی و جنایت وجود دارد. این نوع نگاه به جهان در سخنان او در بیانیه ۷ اکتبر ۲۰۰۱ قابل مشاهده است. وی در مصاحبه‌ای با اشاره به آیه ۵۱ سوره ۵ قرآن می‌گوید: «امروز جهان به دو دسته تقسیم می‌شود؛ همانطور که بوش می‌گوید یا ما هستید یا با تروریست‌ها؛ ما می‌گوییم یا با صلیبون هستید یا با اسلام...» (Bin ladan, 2001). در بیانیه‌های شماره ۱، ۲ و ۴ القاعده نیز به مواردی مشابه از این نگرش بر می‌خوریم. در بیانیه شماره ۴ بن‌لادن مردم را نیز پس از حملات ۱۱ سپتامبر به دو دسته تقسیم می‌کند؛ آنهایی که حامی دولت آمریکا هستند و دیگرانی که آن را محکوم کرده‌اند. این تقسیم‌بندی همانطور که بن‌لادن نیز به این مسئله آگاه است و به آن تصریح کرده است (Forth AlQaeda's statements, www.doublstandards.org), نقشی مهم برای عاملان گروه‌های اسلام‌گرا و خشونت‌طلب بازی می‌کند. این شیوه طرح موضوع جنگ بوش با تروریست را به عنوان جنگ با دین معرفی می‌کند و در این نبرد کفر و ایمان، برای معتقد واقعی هیچ راهی باقی نمی‌گذارد جز کمک به نابودی جبهه کفر.

نگاه ایدئولوگ‌های القاعده به «یهودیان» به عنوان دشمنان اسلام است. «شیعیان» دشمن دیگر هستند؛ محمد بن عبدالوهاب نخستین کسی بود که محدوده تکفیر را تا جایی گسترش داد که علاوه بر غیر مسلمانان، مسلمانانی را که مثل او نمی‌اندیشیدند نیز در بر می‌گرفت.^۱ این ایدئولوژی خود را به هیچ مرز جغرافیایی محدود نمی‌کند. بن‌لادن در تمام بیانیه‌های خود از «سرزمین‌های» اسلامی نام می‌برد (Bin-Laden, 1996). او تحولات جهان اسلام را اموری وابسته به هم و تهاجمات صورت گرفته به کشورهای اسلامی را «جنایات صلیبیون علیه امت اسلام» می‌داند (Forth Al Qaeda's statements). استفاده از این نوع واژه‌ها این ایدئولوژی و هدف آن را مربوط به تمامی مسلمانان معرفی می‌کند و باعث می‌شود القاعده از تمامی تحولات جوامع اسلامی به نفع خود بهره‌برداری کند. بن‌لادن تنها راه توقف جنگ علیه آمریکایی‌ها را خروج آنها از سرزمین حرمین شریفین، عدم درگیری در قضیه فلسطین و عدم دخالت در کل جهان اسلام می‌داند (Allouni, www.tbsjournal.com). وی در بیانیه‌های خود در لزوم حمایت تمامی مسلمانان از مسلمانان غزه، مجدداً بر این مسئله تأکید ورزید (Bin Laden, 2009).

۱. موضع‌گیری‌های کسانی چون ایمن الظواهری در مقابل شیعه‌کشی در عراق نیز نه به دلیل اعتقاد به مسلمان بودن شیعیان، بلکه به دلیل ترس از متزلزل شدن موقعیت القاعده در عراق است.

گفتیم که ایدئولوژی ها عمل گرایی را می ستایند و اعضا خود را برای این مرحله تجهیز می کنند. این تجهیز هم از نظر روحی و هم در تعیین روش ها و آموزش شیوه اقدام است. مفهوم جهاد از سوی نوینبادگرایان تبدیل به ابزاری شده است که توانسته اند با بهره گیری از سابقه آن در تاریخ اسلام به اقدامات خود علیه دشمنان، مشروعیت بخشند. استفاده مکرر القاعده از این مفهوم باعث شده است ایدئولوژی القاعده «جهادیسیم» نام بگیرد و در پی آن، بررسی مفهوم جهاد و موارد مشروع کاربرد آن در تاریخ اسلام به دغدغه فکری بسیاری از اندیشمندان غربی و مسلمانان تبدیل شود. مفهوم جهاد در شکلی که ایدئولوگ های القاعده از آن استفاده می کنند، تبدیل به ابزاری مناسب شده است که توانسته تمامی مشروعیتها و توجیهاات روانی مورد نظر گروه تروریستی القاعده را در اختیارش قرار دهد. تفاسیر خاص آنها از قواعد جهاد برگرفته از نظرات فقهای چون ابن تیمیه است. مسئله حمله به غیر نظامیان، کشتار زنان و کودکان، استفاده از شیوه های کشتار جمعی و عملیات شهادت طلبانه؛ از سوی آنان با استناد به تاریخ اسلام به شکل گزینشی تفسیر شده و توجیه ایدئولوژیک یافته است. در یک نگاه می توان ایدئولوژی القاعده را حاوی تمام آنچه یک فرد از ایدئولوژی انتظار دارد دانست؛ دشمن معین، هویت فردی و گروهی، هدف متعالی و ارزشمند، ابزارهای مناسب، توجیهاات ایدئولوژیک و در کل انسجامی فکری و نظامی از ارزشها که بتواند فرد را به عمل وادارد و به او اطمینان دهد که می تواند با واگذاری تمامی ابهامات به رهبران ایدئولوگ خود، سمت سعادت ابدی حرکت کند. زمانی که پاداش مبارزه بهشت است (Bin Laden, 2009) همه جزئیات به ایدئولوگ سپرده می شود و فرد با اطمینان از وسیله دست به هر خشونت می زند.

۳-۴. انتشار و انحراف مسیر ایدئولوژی به سمت تروریسم

چگونه یک سلسله اهداف متعالی و گاه منطبق با مبانی انسان دوستانه، فرد را به سمت رفتارهای خشونت آمیز و غیر انسانی می کشاند؟ به این سؤال دو پاسخ احتمالی می توان داد؛ اول اینکه ایدئولوژی مورد نظر در ذات خود نوعی ایدئولوژی خشونت طلب است که زبانی جز خشونت نمی داند و یا اینکه در مراحل شکل گیری، رشد و انتشار خود دچار چنان تحولاتی می شود که گاه با مبانی و اصول خود فرسنگها فاصله می گیرد. توجه به اصول ایدئولوژیک برخی گروه های تروریستی خصوصاً گروه های شکل گرفته بر پایه مذهب باعث می شود در پذیرفتن پاسخ اول محتاطانه تر برخورد کنیم.

در سطح عملی ایدئولوژی ها در زمان جدال فعال می شوند. البته برخی معتقدند «ایدئولوژی» به خودی خود دارای ماهیتی جدلی است و هواداران خود را به جدل وامی دارد (توحیدفام، ۱۳۸۱، ص ۸۶). در هر حال در این زمان ایدئولوژی ها به صورت شعار، بیانیه و

سخنوری‌های استادانه ظاهر می‌شود. ایدئولوژی‌ها اغلب در قالب زبان در می‌آیند بنابراین تحت تأثیر قابلیت‌های آن در تحریف واقعیت و ضعف‌های آن در شناساندن کامل ماهیت ایدئولوژی قرار دارند (مک‌لان، ۱۳۸۰، ص ۱۱۳). اما چگونه کلام با اعمال پیوند می‌خورد و در یک رابطه تأثیر و تأثر به ایدئولوژی شکل می‌دهد؟

ایدئولوژی صرفاً نظامی از ایده‌ها نیست، نظامی از ایده‌ها و احساسات هم نیست بلکه در قالب شبکه‌ای از نهادها متجلی شده و بوسیله دستگاه‌هایی القا می‌شود. «این دستگاه‌ها (مثل الفاظ القائی از سوی رهبران از طریق رسانه‌ها) خصلتی اجتماعی و روانکاوانه دارند و به ما امکان می‌دهند با تحلیل آنها دریابیم بر چه مبنا قالب‌ریزی عواطف سیاسی، همچون عنصر تعیین کننده ادغام محرکه‌های فردی و از طریق آن ادغام کنترل شده رفتارها عمل می‌کند» (حسینی، ۱۳۷۲، ص ۱۲۶). بنابراین، اگر بخواهیم ایدئولوژی را در تمام وجوه آن تحلیل کنیم و به تجزیه و تحلیل آموزش‌ها، القائات، تعلقات، انتشارها و همچنین نتایج عملی آن پردازیم باید بدانیم ایدئولوژی به واسطه کدام میانجی‌های نهادی و اجتماعی می‌تواند رفتارها و از این رهگذر ساختارهای مربوطه را تغییر دهد (آنسار، ۱۳۸۱، ص ۹۵). ایدئولوژی به‌وسیله کلام و از طریق رسانه‌ها و دستگاه‌های انتشار مفاهیم گسترش می‌یابد و در عین حال مطابق با شرایط مکانی و زمانی تغییر شکل می‌دهد. «بسیاری از آن چه ایدئولوژی‌ها می‌گویند صادق است و اگر نبود بی‌حاصل بود؛ اما ایدئولوژی‌ها در عین حال حاوی مقداری متنابه گزاره هستند که به طرز فاحش کاذبند؛ و اگر چنین هستند کمتر به دلیل فلان کیفیت ذاتی است تا به دلیل تحریف‌هایی که ایدئولوژی‌ها در کوشش خود برای تصدیق و مشروعیت‌بخشی به نظام‌های سیاسی ناعادلانه به سمت آن رانده می‌شوند» (ایگلتون، ۱۳۸۱، ص ۳۳۶).

دو دسته عوامل داخلی و بیرونی را در تغییر یک ایدئولوژی دخیل هستند؛ تغییرات داخلی در نتیجه برخورد هوادارانی است که مدعی هستند ایدئولوژی همه آنها را تأیید کرده است. ایدئولوژی در اثر فشار وقایع خارجی نیز تغییر می‌یابد. در نبرد میان دو ایدئولوژی یک شکست شکی برای آنها تلقی می‌شود که اعضا را به غلبه بر آن از طریق یک انحراف در مشی خود وامی‌دارد (Shills, 1972, 1-70). در این سیر ایدئولوگ باید بتواند علاوه بر هواداران عادی، هوادارانی که اطلاعات بیشتر و دقیق از آن مشی فکری دارند را نیز با این تغییر همراه کند. «بنابراین باید در حدی از تسلط برخوردار باشد که استدلال‌های رقیب را هم پیش‌بینی کند و پاسخ گوید. به علاوه باید در این لفاظی‌ها ... دستور نهایی صادر شود و گرنه ممکن است فرد نتیجه متفاوت بگیرد و یا سردرگم باقی بماند. کلام مؤثر کلامی است که موجب پذیرش هر تغییر و موجه جلوه شدن تمام امور شود... و اگر این امور همه با سند و مدرک تقویت شود پایدارتر از حالتی است که فرد با پیامهای محدود و ساده پشتیبانی شود. ... افراد هر چه

احساس کنند بیشتر می دانند، احساس آزادی بیشتر می کنند؛ هر چند تحت تأثیر عوامل متعدد گاه تصمیماتشان هرگز با منافعشان نمی خواند» (حسینی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۸).

امکان دارد یک ایدئولوژی در ذهن طرفداران اولیه و گروه مقدم مفاهیمی متفاوت با آنچه باشد که در ذهن طرفداران و رهبران بعدی شکل می گیرد و نهادینه می شود. گرچه اغلب این تغییر ماهیت در اثر آنچه که می توان آن را سوءاستفاده از ایدئولوژی خواند صورت می گیرد، اما نمی توان این فرض را نادیده گرفت که با تغییر شرایط و نیاز به بروز شدن مفاهیم و اهداف؛ رهبران، برای هر چه کارآمدتر شدن ایدئولوژی مورد نظر دست به اصلاحاتی بزنند.

نگاهی اجمالی به شیوه انتقال مفاهیم و نوع مفاهیم منتشره از سوی رهبران و ایدئولوگ القاعده ما را در اطمینان به نتایج این بحث کمک خواهد کرد. از اواسط دهه ۱۹۹۰ یک سلسله تبلیغات و عملیات مبارزاتی در رسانه ها و در افکار عمومی با صدور بیانیه های متعدد از سوی رهبران القاعده به راه انداخته شد. این بیانیه ها عمده ترین منبع برای فهم ایدئولوژی القاعده و خواسته های سیاسی آنهاست.^۱ در جنگ با تروریسم و القاعده تلاش های زیاد در ایجاد مانع در دسترسی افراد به این بیانیه ها صورت گرفته است (Dziewior, 2003, Pp 1-25). محتویات و شیوه بیان این مطالب باعث شده است که برخی معتقد باشند هدف از صدور آنها صرفاً تلاشی از سوی پایه گذاران این سازمان برای محکم کردن پایه های رهبری خود و تأکید بر نقش شبکه القاعده در حرکات جهادی بین المللی است (Brachman, McCants, 2006, Pp 1-22). آنان از این شیوه برای انتقال مفاهیم بهره گرفته اند و با ارائه تفاسیر خاص خود از مفاهیم مختلف تمام تلاش خود را برای ایجاد انحراف و تغییر در بسیاری از حوزه های مربوط به جهاد کرده اند. البته تحقیقات انجام شده از سوی آکادمی نظامی ایالات متحده در نوامبر ۲۰۰۶ به این نتیجه رسیده است که بن لادن و الظواهری گرچه تأثیر بسیار بر «عمل گرای» در حرکت های جهادی داشته اند اما از نظر فکری تأثیر بسیار اندک بر «افکار» متفکرین حوزه ی جهاد داشته اند (Brachman, McCants, 2006, Pp 1-22). با این حال، تأثیر در خور توجهی بر افکار عمومی در جهان اسلام و در میان غیر مسلمانان داشته است.

نتیجه

توجه به این مسئله که گروه های سیاسی در شرایط سیاسی و اقتصادی یکسان، دسته ای از همان ابتدا به سمت اقدامات خشونت آمیز گرایش پیدا می کنند و برخی از ابتدا در پی یافتن راه های مسالمت آمیزتر هستند؛ علاوه بر اینکه از توجه ما به علت یابی تروریسم بر پایه عوامل

۱. به عنوان مثال، بن لادن در بیانیه ای که در اکتبر ۲۰۰۴ صادر می کند، از اعلامیه ها و بیانیه های صادر شده از سوی خود، قبل از حملات ۱۱ سپتامبر، به عنوان منابع مهمی در شناخت ایدئولوژی و خواسته های القاعده یاد می کند.

سیاسی و اقتصادی می‌کاهد؛ توجه ما را به سمت بررسی عوامل ایدئولوژیک و اهمیت توجه به محتوای ایدئولوژی گروه‌های تروریستی جلب می‌کند. ویژگی‌های ایدئولوژی، آثار تاکید ایدئولوژی‌ها به عمل‌گرایی، توجه به امکان برخی انحرافات احتمالی در ایدئولوژی‌ها و نتایج افراطی شدن ایدئولوژی در بحث از تأثیر ایدئولوژی در تکوین رفتارهای تروریستی از اهمیتی بالا برخوردار است.

در بحث از تروریسم به جای تمرکز بر افراد، نیازمند توجه به اندیشه‌ها هستیم. چیزی به نام *ایدئولوژی تروریستی* وجود ندارد؛ حقیقت آن است که افراد خود را نیازمند ایدئولوژی و برنامه زندگی می‌دانند و در ترکیبی قابل درک میان اثرات وضع، ارتباط و آمادگی گاه به عقاید نادرست و افراطی می‌پیوندند و در اثر شناخت ناقص، عناصری ناسازگار از ایدئولوژی‌های گوناگون را با هم خلط و یا به یک جنبه از ایدئولوژی توجه می‌کند. پس از این روند گرایش به ایدئولوژی، با اعضا گروه‌های افراطی سروکار داریم که جهت نیل به اهداف خود از تمامی وسایل توجیه شده استفاده می‌کنند و تبدیل به آنچه می‌شوند که ما تروریست می‌نامیم.

ممکن است که نظام فکری گروه پس از پیوستن فرد به آن، مسیری را در پیش گرفته که در نهایت کاملاً متفاوت با آنچه که فرد به آن پیوسته است گردد. گاه نیز ایدئولوژی‌ای که فرد به آن می‌پیوندد تنها نامی از ایدئولوژی موجه را بر دوش کشد و فرد بدون آشنایی کامل از همه جوانب آن را برگزیند. اغلب این نوع انحرافات ناشی از ماهیت دستگاه‌های انتقال مفاهیم است، بخشی مهم نیز ناشی از تفاوت نگرش افراد به مسائل است اما بخش قابل توجهی از آن، از سوی ایدئولوگ‌ها و آگاهانه جلوه ای دیگر می‌یابد.

مذهب، در شکل مجموعه‌ای منسجم از باورها و دستورات معطوف به هدف که وسایل مشروع خود را نیز به همراه دارد، می‌تواند وصف ایدئولوژیک بیابد و تمام وظایف ایدئولوژی را بر عهده گیرد و در همین راستا تحت تأثیر تمام عواملی که باعث انحراف ایدئولوژی می‌شود قرار گیرد و تبدیل به نظام فکری افراطی شود که از مشروعیتی بالا نیز برخوردار است. مذهب گاه در قالب انگیزه خشونت و گاه در مقام توجیه خشونت ایفای نقش می‌کند؛ این نقش عموماً در مورد رهبران و سایر اعضا متفاوت است.

بررسی ایدئولوژی القاعده و شیوه عمل این شبکه تروریستی نشانگر اهمیت توجه به محتوای ایدئولوژی گروه‌های تروریستی به جای توجه به ویژگی افراد و شکل گروه‌های تروریستی است. القاعده با استفاده از روش‌های مدرن انتقال مفاهیم و تکنولوژی روز توانسته است از نظر سازماندهی شرایطی را ایجاد کند که از یک سازمان فیزیکی تبدیل به پایگاهی ایدئولوژیک و فکری شود و با ایجاد یک پشتوانه ایدئولوژیک به نام اسلام پیروان متعدد را در سراسر دنیا به دست آورد و مسئله تروریسم بین‌المللی را به مشکلی حاد تبدیل کند. بنابراین

در مبارزه کارآمدتر با تروریسم باید حرفهای تروریست‌ها را خوب بشنویم و با دقت به تحلیل محتوای این نوع ایدئولوژی‌های افراطی بپردازیم تا - خصوصاً در ارتباط با تروریسم به نام اسلام- با به چالش کشیدن افکار و اصول آنان از روند گرایش افراد به این گروه‌ها بکاهیم.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. افتخاری، اصغر (گردآورنده)، (۱۳۷۹)، *خشونت و جامعه*، تهران: نشر سفیر.
۲. ایگلن، تری، (۱۳۸۱)، *درآمدی بر ایدئولوژی*، ترجمه اکبر معصوم بیگی، تهران: نشر آگه.
۳. آنسار، پی‌یر، (۱۳۸۱)، *ایدئولوژی‌ها، کشمکش‌ها و قدرت*، ترجمه مجید شریف، تهران: قصیده‌سرا.
۴. بدی، توماس جی، (۱۳۷۸)، «*تعریف تروریسم بین‌المللی: نگرش علمی*»، ترجمه سید رضا میرطاهر، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۵ و ۶.
۵. بشلر، ژان، (۱۳۷۰)، *ایدئولوژی چیست*، ترجمه علی اسدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۶. بشیریه، حسین، (۱۳۷۲)، *انقلاب و سیخ سیاسی*، تهران: انتشارات سمت.
۷. بودن، ریمون، (۱۳۷۸)، *ایدئولوژی در منشاء معتقدات*، مترجم ایرج علی آبادی، تهران: مؤسسه نشر و پژوهش شیرازه.
۸. پلاماتس، جان، (۱۳۷۱)، *ایدئولوژی*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
۹. توحیدفام، محمد، (۱۳۸۱)، *چرخش‌های ایدئولوژی*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۱۰. حسینی، حسین (گردآورنده)، (۱۳۷۲)، *مجموعه مقالات تبلیغات و جنگ روانی*، تهران: پژوهشکده علوم دفاعی - استراتژیک دانشگاه امام حسین.
۱۱. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۵)، *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات کیهان.
۱۲. سیدقطب، (بی‌تا)، *ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی*، ترجمه محمد خامنه‌ای، تهران: نشر بعثت.
۱۳. طیب، علیرضا (گردآوری و ویرایش)، (۱۳۸۲)، *تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق*، تهران: نشرنی.
۱۴. کرنشاو، مارتا، (۱۳۸۴)، «*روانشناسی تروریسم*»، ترجمه ناد علی بای، نشریه رسالت، شماره ۱.
۱۵. گر، تد رابرت، (۱۳۹۱)، *چرا انسانها شورش می‌کنند*، ترجمه علی مرشدی زاد، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
۱۶. مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۱)، *درآمدی بر جنبش‌های اجتماعی*، تهران: پژوهشکده امام خمینی.
۱۷. مک‌لنلان، دیوید، (۱۳۸۰)، *ایده‌ولوژی*، ترجمه محمدرفیعی مهرآبادی، تهران: انتشارات آشیان.

ب. خارجی:

1. Abadie و Alberto, (2004), **Poverty, Political Freedom, and the Roots of Terrorism**, Harvard university and NBER, KSG Faculty Reserch Paper, Pp 1-16.
2. Allouni, Taysar, **The unreleased interview with Usameh bin-laden**, part 4, available at: <http://www.tbsjournal.com/Archives/Fall04/JazeeraSpecia4.htm>
3. Arena, Michael P. / Arrigo, Bruce A., (2005), **Social Psychology, Terrorism, and Identity: A Preliminary Re-examination of Theory, Culture, Self, and Society**, Behavioral Sciences and Law, Published online in Wiley Interscience, Jon Wiley & Sons, Ltd., Vol. 23: 485-506.
4. Borum, Randy, (2004), **Psychology of Terrorism**, University of South Florida, 3: Pp 1-77.
5. Crenshaw, Marta, (1981), **The Cases of Terrorism**, Comparative Politics, Vol. 13, No. 4, Pp. 379-399.

6. Crenshaw, Martha, (1992), **Current Research on Terrorism: The Academic Perspective**, Studies in Conflict and Terrorism, Vol. 15, Pp 1-11.
7. Dzewior, Gary, (2003), **Saudi Arabia and Terrorist Threats**, International security university of Denver, Published online SSRN, Pp1-25.
8. Mc Keeby, David, (2007), **Terrorist psychology driven by hate, not emotional instability**, International Information Programs, U.S. Department of State, Published online in , USINFO, Pp 1-7.
9. McCauley, Clark R. (2010), **The Psychology of Terrorism**, Bryn Mawr College press, Published online in SSRN, Pp 1-10.
10. McCutcheon, Russell T/ Braun, Willi, (2000), **Guid to the study of religion**, New York: Cassell, location 30, Gary lease, **Ideology**, p 438.
11. Munson, Henry, (2003), **Islam, Nationalism and Resentment of Foreign Domination**, Middle east policy, Vol. 10, No. 2, Pp 40-53.
12. Mythen, Gabe / Walklate, Sandra, (2006), **Criminology and Terrorism, Which Thesis? Risk Society or Governmentality?**, Oxford Journals Law & Social Sciences British Journal of Criminology, Vol.46, No.3 : Pp. 379-398.
13. O'Connor, T, (2009), **The criminology of terrorism: theories and models**, Retrieved from: <http://faculty.ncwc.edu/toconnor/429/429lect02.htm>
14. Post, Jerald. M, (1984), **Notes on Psychodynamic Theory of Terrorist Behavior**, studies in conflict & terrorism, Vol. 7, Issue 2, Pp 241 – 256.
15. Saarnivaara, Minna, (2008), **Suicide campaigns as a strategic choice: The case of Hamas**, Oxford University Press Policing, Vol. 2, No. 4, pp. 423–433.
16. Schmid, Alex P., (1985), **Political Terrorism: A Research Guide to Concepts, Theories, Data Bases and Literatur**, Amsterdam: North Holand publishing Co.
18. Shepard, William, (1987), **fundamentalism, Christian and Islamic**, Christian Century Foundation, prepared for Religion Online by Ted & Winnie Brock, No 17, p 362.
19. Shills, Edward, (1972), **The concept and the function of Ideology**, international Encyclopedia of the social sciences, ed., David L. Shils, Vol. 11, New York: Macmillan company and the free press.
20. Steinhofe, Uwe, (2007), **On the Ethic of War and Terrorism**, New York: Oxford university press.
21. Therbon, Goran (1980), **The ideology of power and the power of ideology**, London: viliers publication.
22. Tosini, Domenico, (2007), **Sociology of Terrorism and Counterterrorism: A Social Science Understanding of Terrorist Threat**, Journal Compilation, Blackwell Publishing Ltd, Pp 664-681.
23. Wilson, G. I./ Wilcox, Greg, Schet Richards, (2007), **Terrorism: Psychology and Kinetics**, Retrieved from: <http://www.d-n-i.net/fcs/pdf/wilson-psychology-of-terrorism.pdf>

ج. فهرست سایت ها:

1. Alex P. Schmid, **Academic Consensus Definition**(1988): Retrieved from: <http://www.unodc.org/unodc/terrorism-definition>
2. Bin Laden, Usama, (2009), **A Call for Jihad to Stop the Gaza Assault**, January 14, Transcript of Usama Bin Laden Audio Recording Produced by the As-Sahab Media Foundation, available at: <http://www.nefafoundation.org/miscellaneous/FeaturedDocs/nefabinladen.pdf>
3. Bin laden, Usama, (October 7, 2001), **Bin ladan warning**, full text of recording statement broadcast on Al-jazeera television. BBC News, south Asia, Sunday, available at: <http://news.bbc.co.uk/hi/English>
4. Bin-Laden, Usama, (1996), **Declaration of war against the American's occupying the land of the two holy places**, available at: http://www.azzam.com/html/body_declaration.html.

-
5. Brachman, Jarret/ McCants, William, (2006), **Militant Ideology Atlas: Executive Report**, Combating Terrorism Center, United States Military Academy, 1-22. Available at: <http://www.ctc.usma.edu/atlas/Atlas-ExecutiveReport.pdf>
 6. **Democracy for peace**, (2005), United Nations Office on Drug and Crime Website, Available at: <http://www.unodc.org/unodc/terrorism-definitions.html> Retrieved from: <http://intrpol.dk/studerende/tidligere-arrangementer//DemocracyforPeace.pdf> P25
 7. **Forth Al Qaeda's statements**, available at: <http://www.doublestandards.org/forthstatements.html>